



دیدار اقشار مختلف امت حزب الله - 22 شهریور / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همهمی برادران و خواهران، مخصوصاً علمای اعلام و ائمه‌ی محترم جمعه و خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودان و جوانان رزمنده‌ی ارجمند و عزیز که از شهرهای مختلف کشور و نقاط دوردست، برای اظهار و اثبات وفاداری نسبت به انقلاب و اسلام تشریف آورده‌اند، صمیمانه و قلباً تشکر می‌کنم. مطلبی که همهمی ما باید به آن توجه کنیم، این است که دفاع از انقلاب و تشخیص مصلحت آن، کاری است که هم آسان و هم مشکل (سهل و ممتنع) می‌باشد. آسان است؛ چون فطرت‌های پاک عامه‌ی مردم آن را تشخیص می‌دهد. اگر شما به جمعیت عظیم مردم ایران نگاه کنید، خواهید دید که در همهمی مسایل از اول انقلاب تا امروز، تقریباً عامه‌ی مردم درست فکر کرده‌اند، درست تشخیص داده‌اند و راه را خوب شناخته‌اند و اصولاً شبهه و وسوسه و خدشه‌یی در راه مستقیم آنها به وجود نیامده و یا زود گذر بوده است. لذا مثلاً در جنگ، عموم مردم از شهرها و روستاها و قشرهای مختلف و زنها و خانواده‌ها عشایر و کارگران - مخصوصاً قشرهای مستضعف و محروم - هر چه در وسع و توانشان بود، برای جنگ انجام دادند. پس، این بدان معناست که عامه‌ی مردم و متن جامعه، مصلحت انقلاب را تشخیص داده و درک می‌کنند.

اما از طرف دیگر، به نظر می‌رسد تشخیص مصلحت انقلاب و دفاع از آن مشکل است؛ چون بعضی از خواص و بعضی از کسانی که ادعا می‌کنند مسایل کشور یا مسایل سیاسی را می‌شناسند، گاهی اشتباه می‌کنند و غلط می‌فهمند و کج تشخیص می‌دهند و بد عمل می‌کنند. کسانی که ادعا می‌کردند مسایل سیاسی ایران را مثلاً از چهل سال پیش آگاهند، گاهی در مسایل واضح امروز، درمی‌مانند. چیزی را که مردم بروشنی می‌فهمند، بعضی از این افراد به اصطلاح صاحب‌نظر و فهیم، تشخیص نمی‌دهند! معلوم می‌شود چنین فهیمی مشکلاتی دارد و خیلی هم آسان نیست.

به عنوان مثال، در قضیه‌ی جنگ مردم خوب فهمیدند چه کار می‌کنند. هرکس به صحنه نگاه می‌کرد، متوجه قضایا می‌شد. دشمنان اسلام، جنگی را بر انقلاب ما تحمیل کردند، به مرزهای ما هجوم آوردند، آتش زدند، مردم غیرنظامی را از میان بیابانها اسیر گرفتند، برخی از شهرها و روستاهای ما را ویران کردند و فجایع زیادی آفریدند. هر کس با ذهن سالم به این وقایع نگاه کند، خواهد فهمید که در این جا وظیفه عبارت از دفاع کردن و دشمن را بر سر جای خود نشانیدن است. چه کسی بود که با ذهن صحیح و سالم و بی‌غرض و مرض، به قضیه نگاه کند و این حقیقت را نفهمد؟ معلوم است که اگر ملتی از خودش دفاع نکند، لایق زندگی کردن و مستقل ماندن و حتی ترحم نیست. مردم خوب فهمیدند که باید بدون اعتماد و اتکالی به تلاشهای به اصطلاح سیاسی‌یی که در سطح بین‌المللی انجام می‌گرفت و هیچ کدام به نفع ملت ایران نبود، خودشان آستینها را مردانه بالا بزنند و از لذات کوچک زندگی بگذرند تا بتوانند سرنوشت خویش را از دست دشمنان خارج کنند.

شما ملت عزیز، جوانان و میانسالان و پیرمردان و زنان و حتی نوجوانان به میدان جنگ رفتید، پشتیبانی کردید، پول دادید، دعا کردید، شعار دادید، تظاهرات سیاسی به نفع رزمندگان راه انداختید، از رهبر بزرگوار و عالی‌قدر حمایت کردید و کاری کردید که نه فقط دشمن مجبور شد عقب بنشیند و از تجاوز دست بردارد، بلکه به دشمن هم درس سختی داده شد تا همه دنیا بفهمند که ایران اسلامی، لقمه‌یی نیست که بشود آن را به راحتی فرو داد و دربارهی او طبق میل جباران عالم عمل کرد.

در همان موقع که مردم این مسأله را خوب می‌فهمیدند، تعدادی علیه جنگ و دفاع و عزیمت به جبهه اعتراض می‌کردند و فریاد می‌کشیدند و شب‌نامه پخش می‌کردند! رادیوهای خارجی نیز حرف اینها را بزرگ می‌کردند و در



دنیا پخش می‌نمودند تا شاید ملت ما آنها را بشنود و عزمش سست گردد. به یمن بیداری ملت، نتوانستند این کار را بکنند.

مثال دیگر در این خصوص، مسأله‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و موضع محکم و ضد استکباری نظام و مسؤولان سیاست خارجی در مقابل زورگویی‌های امریکاست. مردم، شعار "مرگ بر امریکا" را هرگز از زبان نینداخته‌اند؛ ولی در طول این چند سال، یک عده به اصطلاح عقلا و مصلحت‌اندیش‌ها، همیشگی مصلحت‌اندیشانه و به اصطلاح عاقلانه، مردم و مسؤولان نظام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان را نصیحت می‌کردند که شما چرا بی‌خود با امریکا - که در دنیا قدرتی است - رزم‌آوری و مبارزه می‌کنید؟! چرا خود را با غول وحشتناکی به جنگ می‌اندازید؟! این هم از همان جاهلیی است که مردم ماهیت آن را فهمیده‌اند؛ اما بعضی از خواص نفهمیدند! آنها خیال می‌کردند که جمهوری اسلامی بدون هیچ علت و دلیلی، اقدام به ایجاد دشمنی با غول پر قدرتی در سطح جهان کرده است؛ در حالی که قضیه این نبود.

ما که ملت ایران باشیم، ابتدائاً با هیچ کس دشمنی نکرده‌ایم. کشورهای زیادی در دنیا هستند که در مرز و ایدئولوژی و افکار و منطقه‌ی جغرافیایی، با ما اشتراک ندارند؛ ولی ما با آنها رفت و آمد و معامله و روابط دوجانبه و بین‌المللی داریم. پس، مسأله این نیست.

در رابطه‌ی ما با امریکا، دو نکته‌ی اساسی وجود دارد که بدون توجه به آن، هر کس اشتباه خواهد کرد: نکته‌ی اول این که ملت ایران، دولت و سیاست امریکا را به عنوان یک غاصب و زورگو و استثمارگر و متعرض، از کشور خود بیرون کرده‌است. این، حکایت صاحبخانه‌ی است که در زمان غفلت و نادانی کودکی، خانه و مستغلاتش غصب شده و حالا که به سن رشد و جوانی رسیده، به واسطه‌ی عقل و نیرومندی، مصالح خود را تشخیص می‌دهد و غاصب را از ملک خویش بیرون می‌راند.

هیچ غاصبی، به زبان خوش بیرون‌برو نیست و باید او را راند. در غیر این صورت، از آغاز غصب نمی‌کرد. غاصب را باید بیرون انداخت. ملت ایران، غاصب - یعنی سیاست و راه امریکا و مستشاران و مزدوران امریکایی - را بزور و با قدرت، از داخل خانه‌ی خود بیرون انداخت. معلوم است که این غاصب، کینه‌ی این ملت و انقلاب و دولت را همیشه در دل نگه خواهد داشت. اگر باز هم آمد و گفت: اجازه بدهید ما با هم آشتی کنیم و دوست باشیم، بدانید که قصد او باز هم دشمنی و سوء استفاده و استثمار است.

امریکا از حضور در ایران، استفاده‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی می‌برده‌است. او در مرزهای ما حضور داشت تا رقیب جهانی خود را زیر نظر داشته باشد. او از منابع ما برای فربه‌تر کردن امکانات مالی و کمپانی‌های عظیم خود استفاده می‌کرد. او از دولت ایران به عنوان یک نوچه و آلت دست، در تمام قضایای جهانی و دشمنی با اعراب در اوپک و ایجاد حلقه‌ی امنیتی دور اسرائیل، استفاده می‌کرد. این، معنای آلت دست است که امریکا امروز دیگر در اختیار ندارد و به همین خاطر، زخم خورده است.

نکته‌ی دیگر این است که جمهوری اسلامی، به اخراج امریکا از کشور اکتفا نکرده و کاری بزرگتر از اقدام اول صورت داده است و آن این که نور امیدی در دل یک میلیارد مسلمان در سطح جهان به وجود آورده و امریکا را در این سطح تهدید کرده است. امروز، امریکا به آسانی گذشته نمی‌تواند در کشورهای مسلمان اعمال نفوذ کند؛ چون مسلمان‌های کشورهای دیگر هم بیدار شده‌اند.

شما تظاهرات مسلمانان یکی از کشورها را در دو سه سال پیش هنگام پهلوگیری یک ناوگان امریکایی در بندر آن کشور شنیده‌اید. هر چند این گونه دیدارها، علی‌الظاهر یک سیاحت و مسافرت معمولی وانمود می‌شود؛ ولی خدا می‌داند که باطنش چیست. در عین حال، مسلمانان آن کشور فریاد زدند که نباید کشتی امریکایی در بندر کشورشان پهلو بگیرد.



این، مشکلات امروز آمریکا در همهی دنیای اسلام است. این، تأثیر اسلام است؛ گرچه راهکار آمریکا، زدن تهمت به ایران در هر جایی است که مسلمانی سربلند می‌کند، تا بگوید از ایران حقوق می‌گیرد و ایران عامل تحریک است! ما به این اتهامها بی‌توجهیم و به شیوه‌ی اسلام، زندگی خود را می‌کنیم. امروز، مسلمانها با حیات اسلام بیدار و زنده و امیدوار شده‌اند و هویت اسلامی خویش را بتدریج می‌یابند و این برای آمریکا دردسر عظیمی است. پس، انتقام‌طلبی آمریکا به دنبال این حادثه‌ی تلخ است و این تلخی، ناشی از طبع تجاوزطلب و توسعه‌طلب دولت متجاوز و قلدری مثل امریکا است. البته، بدانید که اگر دولت امریکامتجاوز و توسعه‌طلب نباشد، این دو نکته برایش تلخ نخواهد آمد.

شما که کشور و دولت ثروتمند و پیشرفته‌ی هستید، سر جای خود بنشینید و در چارچوب کشورتان زندگی کنید. به آفریقا چه کار دارید؟ به آسیا چه کار دارید؟ به خاورمیانه و اقیانوس هند چه کار دارید؟ به امریکای لاتین چه کار دارید؟ به دولتهای مترقی چه کار دارید؟ اگر به حق خود قانع باشید، مثل بقیه‌ی کشورهای دیگر، با همهی منابع طبیعی و نفت و کشاورزی و معدن و کارخانه و علم و پیشرفت و صنعتی که دارید، مشغول کار خود می‌شوید؛ ولی آمریکا به دلیل توسعه‌طلبی، مایل به حضور و دخالت و استثمار منافع ملتها در همه جای دنیاست؛ هر چند که خود کشور بزرگی است.

امریکاییها توسعه طلبند و می‌خواهند در همه جای دنیا دستی داشته باشند و حضوری پیدا کنند و استثمار نمایند. منافع ملتها هر چه باشد، برای آنها مهم نیست! منافع آنها نباید به خطر بیفتد؛ ولو با از بین رفتن منافع ملتهای دیگر! وقتی این گونه است، معلوم می‌شود حرکت اسلامی برایشان مضر است و درصدد برمی‌آیند انتقام بگیرند. انتقام آمریکا همین سختگیریهای سیاسی و نظامی و محاصره‌ی اقتصادی است که در چنته دارد. انتقام آمریکا همین است که یک دولت بی‌عقل و آدم خامی را پیدا نماید و او را وادار به جنگ با ما کند. البته، این موضوع بر اثر فداکاریهای شما، دیگر تکرار نخواهد شد و هیچ‌کس آن قدر بی‌عقل نیست که خودش را در چنین چاهی بیندازد؛ گرچه همیشه باید بیدار بود و هیچ‌گاه خطر را بکلی منتفی ندانست. بیداری و آمادگی ملت، دستور اسلام است. دشمن، علیه ما بیدار است و اگر ما خواب بودیم، صدمه خواهیم خورد.

امروز، عراق یکی از مقروضترین کشورهای دنیاست و در ردیفهای اول قرار می‌گیرد. کشوری که پشتوانه‌ی ارزی فراوانی داشت، امروز حدود هشتاد میلیارد دلار قرض دارد! و این ضربه‌ی بزرگ و خسارت عظیمی است که بر او وارد شده است. کشور ایران که هشت سال درگیر یک جنگ تحمیلی بود و از کمکهایی که به عراق می‌شد، برخوردار نبود، به هیچ وجه مقروض نشد. چنین امتیازی به خاطر آن است که ملت ما، زنده و بیدار و مسلمان و فداکار و ایثارگر و در صحنه و متحد و به حق خود واقف و علاقه‌مند است.

تنها راه ما برای دفاع از اسلام و انقلاب، ایستادگی و مقاومت است. ایستادگی، برای حال و آینده‌ی ملت، برکات زیادی دارد. همین مقاومت و ایستادگی شما، ان‌شاءالله مشکلات را یکی پس از دیگری برطرف خواهد کرد. اثر ایستادگی شما، بحمدالله تثبیت ارکان جمهوری اسلامی بعد از ضایعه‌ی عظیم رحلت حضرت امام است. دولت، رئیس‌جمهور، مجلس، قوه‌ی قضاییه و دستگاههای مختلف، امروز بر اثر ایستادگی و آگاهی شما، در جای خود قرار گرفته و به دنبال حل مشکلات هستند و البته باید این تلاش به همت مسؤولان مضاعف شود.

من می‌بینم و می‌دانم که مسؤولان، حقیقتاً به دنبال حل مشکلاتند و هیچ مشکلی نیست که با تلاش جمعی کارآمد و دلسوز و فعال حل نشود. حال، برخی زودتر و برخی دیرتر حل خواهد شد. بالاخره به فضل الهی و تأیید پروردگار و با توجهات و عنایات خاص حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه) و با پشتیبانی مردم، ان‌شاءالله همهی مشکلات حل خواهد شد.

این تلاشها، تلاشهای خوبی است. البته، جهت تلاشها باید در جهت خدمت به قشرهای محروم ملت باشد که هم



استحقاق بیشتری دارند و هم در طول این چند سال، وفاداری عمده‌ی نشان داده‌اند. قشرهای ضعیف، شهرهای دورافتاده، مردم روستایی، عشایر، قشرهای متوسط شهری، اینها در طول این چند سال، سربازان وفادار واقعی انقلاب بودند که امام به "پابره‌نه‌ها" تعبیر می‌کردند؛ کسانی که از رفاه و زندگی عالی برخوردار نیستند و اکثریت مردم ما را تشکیل می‌دهند. باید جهت‌گیری برنامه‌ها، در خدمت اینها باشد که من احساس می‌کنم و می‌بینم که همین‌طور است.

امیدواریم خداوند متعال، به همه‌ی شما توفیق بدهد و محفوظتان بدارد و شر دشمن را از سر اسلام و مسلمین و مخصوصاً جمهوری اسلامی کوتاه کند. باید از خدای متعال استمداد کنید تا این آگاهی و وحدت کلمه و فداکاری و تشخیص مصالح انقلاب و راه دفاع از آن را - که بحمدالله در شما مردم هست - همیشه برای خود نگهدارید. خدای متعال هم به فضل و رحمت خود، سایه‌ی لطفش را تا حالا بر سر شما گسترده و بعد از این هم ان شاءالله خواهد گستراند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته